



بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۴۰۱/۹/۱۴

موضوع بحث: انسان شناسی ۶

سوالاتی درباره ابلیس:

• نزدیک به سی سوال درباره ابلیس و شناخت در جلد هشت المیزان علامه طباطبایی مطرح کرده است به طور مثال: چرا خداوند ابلیس را خلق کرده با اینکه می دانسته می خواهد استکبار کند؟ چرا او را در بین ملائکه قرار داده؟ یا مثل اینکه وقتی خداوند می دانسته ابلیس سجده نمی کند چرا امر به سجده کرد؟ و چرا بعد از رجیم شدنش از خداوند درخواست مهلت کرده و خداوند هم به او مهلت داده؟

نکاتی درباره شیطان:

نکته اول: در آیه هفت سوره سجده خداوند می فرماید: **الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ** آن خدایی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت کرد.

نکته دوم: بین حسن و خلق تلازم است هر جا خلق است حسن هست و هر جا حسن است خلق هم هست پس ابلیس مخلوق خداست و خلقتش در عالم نیز حسن است، بین خیر و وجود رابطه است هرچه وجود دارد خیر است و از خداوند شر صادر نمی شود.

شر چه زمانی ایجاد می شود؟

• همه چیز در عالم خلقت خیر هستند مثل سگ، خوک، نجاسات و حتی شیاطین **اما وجود در رابطه قیاسی و دیدن نسبت ها در نظام ارتباطات بین موجودات شر ایجاد می شود** مثل رابطه آب و آتش که هر دو فی نفسه خیر اند اما در ارتباط با هم دشمن اند پس خلقت ابلیس در نظام خلقت حسن است اما در نظام ارتباط بین موجودات شر است.

هر آنچه منسوب به خداست خیر است:

• علامه طباطبایی می فرماید: هر آنچه منسوب به خداست یعنی جنبه هستی اشیاء، هستی فرشتگان و هستی شیطان همگی خیر هستند مثل انگور که همین انگور بود او خیر است حال اگر شراب شود نسبت به انسان شر می شود و اگر سرکه شود نسبت به انسان خیر است، جنبه منسوب به خدای انگور خیر است اما جنبه منسوب به ما شر است که موضوع بحث ماست (یعنی بستگی به رابطه با ما دارد اگر همان انگور و سرکه باشد رابطه اش با ما خیر است اما اگر شراب شود نسبت به ما شر می شود).

ابلیس چه زمانی شر شد؟

• ابلیس در نظام نسبت ها نیز خیر بوده و در حال عبادت نیز بوده است امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند: «فاعتبروا بما كان من فعل الله بإبليس إذ حبط عمله الطویل وجهده الجهید وقد كان عبد الله ستة آلاف عن کبر

ساعة واحدة؛ پند بگیرید از رفتار خداوند با ابلیس زمانی عبادت های طولانی و کوشش های طاقت فرسای او به مدت شش هزار سال را بر اثر تکبر یک لحظه باطل ساخت» اما وقتی که مبتلا به انسان شد بدبخت شد و تبدیل به شر شد.

امر به سجده خطاب به مقام قدس بوده است:

• صاحب المیزان علامه طباطبایی می فرماید: ابلیس و ملائکه هر دو در یک مقام بودند و آن مقام هم مقام قدس بوده است و امر به سجده، خطاب به مقام قدس بوده است نه تک تک افراد و سجده هم این نیست که هفت عضو بدن را بر زمین بگذارند بلکه معنی سجده تسلیم شدن هست ملائکه تماماً در اختیار انسان قرار گرفتند اما شیطان تکبر کرد و به اختیار انسان در نیامد و به خاطر همین که سجده نکرد **قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ** تکبر در عالم تکوین مساوی با هبوط است و تکبر ابلیس در مقابل سجده به انسان باعث هبوط او شد.

تکبر و استدلال‌های ابلیس:

. استدلال شیطان برای سجده نکردن از زبان قرآن این

است: **قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ^ط قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ**

خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ خود این استدلال که مرا از

آتش آفریدی او را از گل این هم یک معصیت است، علت

برتری خود نیز یک نوع تکبر است و موضوع سجده نکردنش به

گل نبود بلکه به حقیقت انسان که روح است سجده نکرد.

معرفتی غیبی و حقیقتی معقول از امر به سجده:

. **آیت الله جوادی آملی (در جلد سوم تسنیم صفحه ۲۸۶ تا**

۲۸۹) می فرمایند: امر به سجده نمی تواند حقیقی باشد چون

در آن حالت یا تکوینی است که دیگر قابل عصیان نیست و یا

در نظام تشریح است که فرشتگان در آن عالم تکلیف ندارند

پس امر به سجده را بر تمثیل حمل کرد بدین معنی حقیقتی

مقعول و معرفتی غیبی به صورت محسوس و مشهود بازگو

تکبر ابلیس مسیر تکامل :

• علامه طباطبایی در رابطه با تکبر ابلیس می فرمایند: خداوند با امر کردن ابلیس به سجده تا در صورت انجام صفت عبودیتش کامل شود و یا تمردش تکمیل شود یعنی خداوند با این کار تکمیل بندگان را انجام داد هر چند ابلیس با شقاوت تکامل یافت اما فایده اش این بود که خط مشی آدم و فرزندانش هم معلوم شود دوست همراه و دشمن ره زن خود را بشناسد. علامه در ادامه می فرمایند: گناه و وسوسه به انجام گناه نبود و فقط و فقط راه ثواب بود در آن صورت کارها ارزشی نداشت و اطاعت هم معنی پیدا نمی کرد زیرا اطاعت بر آن است که انگیزه ایجاد شود تا انسان میان راه ثواب و راه گناه یکی را انتخاب کند و اگر یک راه بیشتر نباشد جای برای تکلیف و دینداری باقی نمی ماند و به همین آنهای که گناه بهشان راه ندارد مانند ملائکه تکلیف و دین بر آنها نمی باشد اساساً کامل انسان از راه افعال اختیاری اوست و از طرفی هر فعل اختیاری دو بعد دارد به طوری که هم جهت مثبت دارد و هم جهت منفی به عبارت دیگر هم راه دارد هم بی راه و آن

عاملی که در انسان ایجاد وسوسه می کند انسان مختار را که در مقابل گذر از راه و بی راه قرار دارد به صورت دقیق و ظریف به انتخاب بی راه تحریک می کند و لذا انسان را تحریک می کند که به طور جدی وارد عمل شود زوایای مثبت و منفی هر دو را بررسی کند و اگر خواست تحت تاثیر شیطان نباشد با وهمیات خود به مبارزه برخیزد و لذا حاصل چنین مقابله ای پدید آمدن شخصیت جدی برای انسان می شود همین تحولات باعث ایجاد یک قاعده تکاملی را تحقق می بخشد.

بغض به دشمن را زیاد کنید:

• شیطان دشمن حقیقی ماست **أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ**

لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ علامه (در جلد هشت المیزان صفحه ۳۵ تا ۴۵) می فرماید: «ما شیطان را لعن می کنیم اما این لعن را همراه با بغض ذاتی همراه نمی کنیم» ما نسبت به دشمن کینه و بغض نداریم او دشمن قسم خورده ماست گفته اند که خداوند قدرت انسان را فوق شیطان قرار داد اما انسان به خاطر کثرات ضعیف عمل می کند و درگیر

ظواهر دنیاست و او هم ظواهر دنیا را ذینت می دهد تا الی یوم
المعلوم، علامه طباطبایی می فرمایند که شیطان تا قیامت
همراه انسان هست و از همه چیز ما با خبر است او در پنهانی
ترین لایه های خیال ما حضور دارد.

شش درخواست ابلیس از خداوند:

• روایت علی ابن ابراهیم از امام صادق علیه السلام: شیطان به
خداوند گفت خدایا مرا از سجده به آدم عفو کن تا تو را طوری
عبادت کنم که هیچ ملکی تا به حال آنگونه عبادت نکرده باشد
خداوند فرمود من به عبادت تو نیازی ندارم دوست دارم آنگونه
که خودم می خواهم عبادت شوم، شیطان گفت حال که من را
می رانی:

(۱) یک عمر طولانی بده **إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ** (بعضی گفته
اند تا ظهور حضرت صاحب الزمان عج و بعضی هم گفته اند تا
قیامت)

(۲) مرا بر فرزندان آدم مسلط کن

(۳) مرا مثل خون در رگ هایشان جاری کن

۴) هر فرزندی که به فرزندان آدم می دهی دو تا شیطان بده تا بر آنها مسلط بشون

۵) خدایا من آنها را ببینم ولی آنها مرا نبینند و

۶) هرچی که خود صلاح می دانی را در حق من عطا کن خداوند گفت سینه های بنی آدم را مقرر تو قرار می دهم وقتی صحبت کنی گمان کنند که خودشان هستند (این همان نفس اماره است).

حملات چهار طرفه شیطان :

• طبق آیه شیطان از چهار جهت حمله می کند **ثُمَّ لَا يَأْتِيهِمْ مِنَ**

بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ

أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ. امام و علامه می فرمایند: انسان از دو

فطرت تشکیل شده میل به کمال و فرار از نقص خوبی را می بیند به آن مشتاق می شود بدی را می بیند و از آن دوری می کند.

آیا خداوند انسان را رها کرد؟

۱) خداوند هم انسان را رها نکرد، به هر عمل بد یکی می نویسد و به هر عمل خوب ده تا می نویسد و چه بسا بیشتر چون عمل صالح مطابق با هستی است چون اصل در عالم نظام بر خیر و صدق است و رحمت خدا بر غضبش پیشی می گیرد و اصل در عالم نجات است.

۲) اگر نیت حسنی بکند برایش یک جزا قرار می دهد اگر یک نیت سیئه بکند چیزی نمی نویسم.

۳) توبه تا وقتی روح در بدن دارد می پذیرم.
همراه با تولد هر انسان دو ملک می گذارم تا محافظش باشند.
۴) بی قید و شرط می بخشم.

میدان حمله شیطان به وسیله احساسات و عواطف :

• راه ورود به شیطان از راه احساسات است یعنی خوف و رجا و آرزو و شهوت و غضب حمله می کند و اینها میدان حمله شیطان به وسیله احساسات است.

(إن شاء الله که به کمال برسیم و نقص ها را برطرف کنیم)